

اسارات و بشارات شيخ احسائي و رمز سر التنكيس

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



لوح رقم (114) امر و خلق - جلد 2

۱۱۴ - اشارات و بشارات شيخ احسائي و رمز سر التنكيس

و از حضرت بهاء الله در کتاب اقدس است قوله الابهي قد ظهر سر التنكيس لرمز الرئيس طوبى لمن ايده الله على الاقرار بالسته التي ارتفعت بهذه الالف قائمه الا انه من المخلصين كم من ناسك اعرض و كم من تارك اقبل و قال لك الحمد يا مقصود العالمين ان الامر بيد الله يعطى من يشاء ما يشاء و يمنع عمن يشاء ما اراد يعلم خافية القلوب و ما يتحرك به عين اللا مزين كم من غافل اقبل بانخلوص افعدناه على سرير القبول و كم من عاقل رجعناه الى النار عدلا من عندنا انا كنا حاكمين .

و از آنحضرت لوحی است قوله الاعلى هو الدائم بلا زوال کتاب آنجناب لدى العرش حاضر و بانوار ملكوت مشاهده و بيان فائز حمد كن محبوب عالم را که باشراقات صبح قدم منور و از اهتزازات نفحهء كلمة اوليه مهتز گشته و بسته ثانیة بعد از الف قائمه که مشعر بر انطواء ستة اولیه بود عارف شده اید این است مقامی که جناب احمد احسائی علیه بهاء الله از آنآخبار فرموده قوله الواو ثلاثة احرف ستة و الف و ستة و قد مضت ستة الايام و الالف هو التمام و لا كلام فكيف ستة الايام الاخر و الا لما حصل العود فانه سر التنكيس لرمز الرئيس فان حصل من الغير الاقرار بالسته الباقية ثم الامر بالحجة و ظهر السر الاعظم الى اخره ستة اولیه اشاره بسموات كور قبل است که در ستة ايام خلق شده و قد مضت ای طويت بالالف قائمه التي هي النقطة ثم ارتفعت ستة



ORIGINAL

اخرى بظهور اسمی الابهی كذلك ینبئک العلیم الخبیر و به ظهر سر التنکیس لان علم الرئیس قد نصب علی کل باذخ رفیع كذلك جعلنا اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم طوبی للعارفین ای ناظر الی الله بیانی که در این مقام فرمودند احدی تا حین ادراک نموده و از ائیم کرمانی مخصوصا سؤال شد که تفسیر نماید و عند عجز نفس خود از مطلع علم سؤال کند قد اخذه الغرور و الاستیجار علی شان منع عن عرفانه الی ان رجع الی مقره ان ربک لهو العادل الحکیم و مقصود از آن همین فقره بوده به ظهر کل امر برز کل سر و لاح کل مکتوم و انتهی کل ظهور و ختم لوح مبین نسأل الله ان یوفق الکل علی ما ینبغی لهذا الظهور الذی به تشتت الترتیب و تفرقت الاوهام المجتمعة فی الرؤوس و زلت ارجل المستقیمین .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی اما در فقره عباراتی که منسوب بجناب شیخ احمد احسائی علیه بهاء الله بوده اصل آن عبارات را یکی از شیخیه نوشته و در عراق سؤال نموده چند محل آن مغلوط مشاهده شد و لکن التفاتی بتصحیح آن نشد بعینه همان عبارات کاتب نقل شد چنانچه در لوح میر کریم خان هم اشاره باین بیان هست یک از فقرات آن ذکر میشود لتوقن ان ربک لهو العلام العلیم الواو ثلاثه احرف ستة و الف و ستة و قد مضت ستة الايام این اشاره بخلق سموات و ارض است فی ستة ایام میفرماید که آنخلق منتهی شد و الف بین واوین دلیل است بر تمامیت ستة اولی و آن الف مقام قیام قائم است چنانچه ظاهر شد و واو اخری اشاره بخلق سموات بدیعه است بظهور قیوم فی ستة ایام اخر و بعد از ظهور این مقام سر تنکیس مشاهده میشود لرمز الرئیس کما سمعت یجعل اعلاهم اسفلهم مقصود آنکه مضت ما خلق فی ستة ایام و انتهت بالالف القائم بین الحرفین و ارتفعت فی ستة ایام اخری ما ارتفع من قبل اذا یتبدل الامور کلها کما رایت و عرفت كذلك ثم الامر بالحجة و ظهر اسم الاعظم بین البریه له الحمد علی ذلك درین ایام قلم اعلی بتفسیر متوجه نه یجب ان ینطق فی کل الاحیان انه لا اله الا انا المقتدر العزیز المنان ایندو کلمه هم لاجل آنجناب من غیر سؤال نازل شد و فی الحقیقه بهمین دو کلمه جمیع عبارات شیخ تفسیر شد و مقصود از ذکر او در لوح میر کریم آن بوده که شاید عجز خود را مشاهده کند و از حق سؤال نماید و لکن از کبر و غرور مع عجز نفس استفسار نمود و توجه نکرد الا انه من الخاسرین جمیع شیخیه بقول خود که در عراق ذکر نمودند عاجز شدند از معنی آن حتی مذکور نمودند که خدمت سید مرحوم هم عرض نمودند و ایشان هم ستر فرموده جوابی اظهار نداشتند كذلك قصصنا لک ما اردناه ان ربک لهو العلیم الحکیم .

و در لوحی دیگر قوله الاعز و اینکه سؤال نمودی از سر تنکیس لرمز الرئیس در اول ظهور ملاحظه نمائید شیخ محمد حسن نجفی که قطب علمای ایران بود و سائر علمای نجف و ارض طف و بلاد ایران بعد از ارتفاع کلمه و اظهار امر کل محجوب و ممنوع مشاهده گشتند از بحر بیان رحمن محروم و از آفتاب دانش یخبر بلکه بر منابر بسب و لعن مشغول جوهر وجودی را که در قرون و اعصار لقایش را سائل و آمل بودند عند ذکر اسمش عجل الله میگفتند ردش نمودند و بالاخره بر سفک دم اطهرش فتوی دادند و لکن نفوسی از عوام اقبال نمودند و از

بحر علم الهی نوشیدند و بافق اعلی راه یافتند و در یوم ارتفاع صریر قلم اعلی بکلمه لیبک فائز گشتند کذلک جعلنا
اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم این است سر تنکیس لرمز الرئیس .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز هو البهی الابهی الحمد لمن تعالی بجوهر ذاته عن وصف
الممکات و تقدس بساذج حقیقته عن نعت الکائنات الذی اقام الواحد بین السنتین و اظهر الایام الاخر بعد
انقضاء الطاء من ظهور النقطة .

و در خطابی بمعاون التجار نراقی قوله المجید قد ظهر سر التنکیس لرمز الرئیس این اشارت بعبارت حضرت شیخ
احسائی است که در اخبار بظهور میفرماید سر التنکیس لرمز الرئیس این دو معنی دارد یکی سر نگوئی یعنی
انقلاب عظیم حاصل میشود اعلام ادنا کم میشود و معنی ثانی مقصد تغییر شدید است یعنی جمیع آثار و احکام و
وقایع از انقلاب و نسخ و تبدیل و تغییر و وقایع عظیمه که در ظهور قبل گردید دوباره عود مینماید طابق النعل
بالنعل . و در خطابی دیگر سؤال از کلمه مبارکه قد ظهر سر التنکیس نموده بودید از عبارات شیخ احمد
مرحوم است و در تفسیر این رساله مرقوم شده و هنوز سواد نگردیده انشاء الله سواد میشود و انتشار مییابد .